

## «زرتشت» کهن‌الگوی قهرمان در دینکرد هفتم

معصومه رضایی\*

### چکیده

دینکرد هفتم یا زرتشت‌نامه یکی از متون پهلوی بازمانده از روزگار کهن است که در قرن سوم هجری گردآوری و بازنویسی شده است. این اثر یکی از جلد‌های نه‌گانه دینکرد است که به نام *دائرة‌المعارف دین مزدایی* شناخته می‌شود و موضوع اصلی آن سرگذشت دین و زندگی زرتشت است. در این پژوهش بر آن شدیم زندگی زرتشت را بر اساس ویژگی‌های «کهن‌الگوی قهرمان» که یونگ، گورین و رانک آن را بیان کرده‌اند بررسی کنیم. این پژوهش با روش کیفی و مطالعه کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. نتایج بررسی نشان داد که می‌توان زرتشت پیامبر را به عنوان کهن‌الگوی قهرمان در این اثر مطرح کرد.

**واژه‌های کلیدی:** نقد اسطوره‌گرایانه، دینکرد هفتم، زرتشت، کهن‌الگوی قهرمان، یونگ، گورین، رانک

### ۱. مقدمه

اساطیر چه باستانی باشند چه جدید در خود رمز و رازهای فراوانی دارند که پژوهشگران برای شناخت بهتر انسان و فرهنگ او سعی نموده‌اند با استفاده از علوم مختلف به رمزگشایی آنها بپردازند. رمزگشایی اساطیر زمانی توانست به بهترین شکل اجرا شود که دو حوزه انسان‌شناسی و روان‌شناسی با هم به کار گرفته شدند. دو انسان‌شناس برجسته، جیمز فریزر و کلود لوی-استراوس، برای شناخت بیشتر فرهنگ جوامع و تحلیل رفتار آنها به بررسی اسطوره‌های جوامع می‌پرداختند. کارل گوستاو یونگ روان‌شناس برجسته با مطالعه فرهنگ‌ها و اساطیر ملل مختلف به دست آورد که برخی از جنبه‌های «ضمیر ناخودآگاه» میان انسان‌ها در طول تاریخ زندگی بشر مشترک است و این چنین بود که میان اساطیر و روان‌شناسی ارتباط عمیقی را کشف کرد و نظریه «ضمیر ناخودآگاه جمعی» را مطرح کرد. او می‌گوید ضمیر ناخودآگاه جمعی، محل حفظ تجربیات جمعی و دانسته‌های بشری از پیدایش بشر تا کنون است. او معتقد است که همان‌گونه که فروید رویا را نماینده امیال ناخودآگاه و آرزوهای کام‌نیافته و اضطراب فرد

می‌داند، اسطوره فراکنی آرزوها، ارزش‌ها، هراس‌ها و آرمان‌های هر قوم و ملتی است. در واقع، بیان عمومی ژرف‌ترین تجربیات روانی انسان است. (پاینده، ۱۳۹۸: ص ۳۱۴) بنابراین با ورود به حوزه اساطیر تلاش کرد تا ساختار روانی مشترک انسان‌ها را در پس اسطوره‌ها کشف و بررسی کند. به گفته مارک شورر اسطوره، تجلی دراماتیک و زیربنایی عمیق غرایز بشر در باب آگاهی اولیه خود نسبت به جهان پیرامون است که حالات مختلفی به خود می‌گیرد و تمامی عقاید و رفتارهای بشر به آنها وابسته است (گورین و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

ارتباط تنگاتنگ نقد اسطوره‌ای و رویکرد روان‌شناختی در شناخت انگیزه‌های زیربنایی رفتار بشری است و تفاوت آنها در این است که روان‌شناسی، تجربی و حسی است ولی اسطوره‌شناسی عقلانی و فلسفی است و با دین و انسان‌شناسی و تاریخ فرهنگ اقوام سر و کار دارد. روانکاوان شخصیت فرد را که در رویاها و تمایلات ناخودآگاه و نگرانی‌های وی تجلی می‌یابد بررسی می‌کنند و اسطوره‌شناسان ضمیر و شخصیت یک قوم را در اسطوره‌ها که بازتاب نمادین امیدها، ترس‌ها و انگیزه‌های یک قوم است بررسی می‌کنند.

یونگ معتقد است که در باورها، آیین‌ها و مناسک دینی ردپای اسطوره‌ها به خوبی نمایان است و برای دستیابی به این مهم مطالعه متون باقی مانده از گذشته را مفید می‌داند زیرا خالق این آثار هنرمندی اصیل و نهانین است که با استفاده از منابع ضمیر ناخودآگاه جمعی آثاری را خلق می‌کند که از فرد فراتر می‌رود و عمیق‌ترین تارهای روح خواننده را تکان می‌دهد. تجربیاتی که شامل تجربه جمعی کل انسان‌ها است. یونگ با طرح «ضمیر ناخودآگاه جمعی» نشان می‌دهد که در آثار ادبی فرهنگ‌های مختلف در زمان و مکان‌های متفاوت و دور از هم پیرنگ و شخصیت‌های این آثار تکراری هستند و واکنش‌هایی شبیه به هم را به وجود می‌آورند. او معتقد است: «این واکنش‌های مشابه حاکی از وجود احساسات، افکار و تصاویر ذهنی شبیه به هم هستند. نظمی کیهانی در ساختار اندیشه و روان بشر وجود دارد که بر پایه مفهوم «ناخودآگاه جمعی» می‌توان آن را تبیین کرد.» (پاینده، ۱۳۹۸: ۳۱۴). «ضمیر ناخودآگاه جمعی» شامل مجموعه‌ای از باورها و غریزه و گرایش‌های روانی نیاکان ما از بدو پیدایش‌شان است و شامل عناصری ساختاری است که اسطوره را به وجود می‌آورند (پاینده، ۱۳۹۸: ۳۱۳). از نظر یونگ، فرد دسترسی مستقیمی به «ضمیر ناخودآگاه جمعی» ندارد و نمی‌تواند تجربیات ذخیره شده در آن را به یاد آورد اما این «ضمیر ناخودآگاه جمعی» از کهن‌الگوهای تشکیل شده است که انسان از نیاکان خود به یادگار دارد و در اسطوره‌ها و افسانه‌های پریان تجلی یافته‌اند (باستید، ۱۳۷۰: ۳۹).

یونگ با بررسی اساطیر به «کهن‌الگو»هایی دست پیدا کرد که در عمق ضمیر ناخودآگاه انسان‌ها وجود دارد و نویسندگان و داستان‌پردازان در طول تاریخ این «کهن‌الگو»ها را در آثارشان به صورت «ایماژ» بازآفرینی کرده‌اند. تعدادی از این کهن‌الگوها مفاهیمی جهانی هستند که به دلیل احساس زیست‌شده مشترک میان انسان‌ها در تمام سرزمین‌های مختلف شاهد آن هستیم به مانند پدر بودن

آسمان و مادر بودن زمین یا نبرد نور با ظلمت که به صورت نمادین نبرد پهلوان با اژدها خود را نشان می‌دهد. از منظر روانکاوی اسطوره سرشار از کهن‌الگوهاست. یونگ به بررسی تاثیر شرایط اجتماعی در آفریدن اسطوره‌های نمادین و خلق نمادها برای بیان یک کهن‌الگو می‌پردازد و معتقد است این کهن‌الگوها متعادل کننده روان انسان در روزگار باستان است. این تصاویر ازلی تکراری در تمام اعصار بدون آموزش از نسلی به نسلی دیگر به ارث رسیده‌اند (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۵۲). دلیل این امر تکرار موقعیت‌های تغییرناپذیر جهان‌شمول در طبیعت و زندگی انسان‌هاست مانند گردش فصل‌ها، طلوع و غروب خورشید، تولد، مرگ و ... این تکرارها ساختاری در ذهن ایجاد می‌کنند که سبب احساس آشنایی در ناخودآگاه انسان می‌شود و در نهایت منجر به واکنش‌های مشابه و غیراختیاری او می‌گردد. (پاینده، ۱۳۹۸: ۳۱۸). برای نمونه مشاهده هر روزه طلوع و غروب خورشید در آسمان اسطوره خورشید قهرمان را در ادیان مختلف با اندک تفاوتی در درون‌مایه ایجاد می‌کند.

## ۲. دینکرد هفتم

«دینکرد» یکی از مهم‌ترین متون دینی زرتشتیان بر پایه اوستا و زند است که در نه جلد در دوران ساسانیان تالیف شده است. این کتاب به دلیل اینکه مهم‌ترین مباحث دین زرتشت در آن جمع‌آوری شده است به «دایره‌المعارف مزدیسنی» نیز معروف است. مولفان تدوین دینکرد را به مانند تدوین اوستا می‌دانند و آن را الهام خدا به زرتشت می‌دانند که نسل به نسل به دستشان رسیده است. بعد از حمله اعراب، این کتاب دچار پراکندگی شد تا اینکه در قرن سوم هجری آذرفرنبغ فرخزادان پیشوای بزرگ زرتشتیان آن را جمع‌آوری کرد اما به علت پیش‌آمدن مشکلاتی برای فرزندش نتوانست کار را به پایان برساند تا اینکه بعد از او توسط آذرباد ایمیدان گردآوری نهایی انجام شد. هر کدام از جلدهای دینکرد حاوی موضوعات مختلفی در باب دین زرتشتی است. امروزه کتاب‌های یکم و دوم و بخش‌هایی از کتاب سوم از بین رفته است (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۳۱).

«دینکرد هفتم» برگرفته از سه نسک اوستای کهن: سپند نسک (شامل سرگذشت دین و زندگی زرتشت)، چهارده نسک و وشتاسپ ساست (آموزه‌های گشتاسپ) است. دینکرد هفتم را به دلیل اینکه شامل زندگی زرتشت است «زرتشت‌نامه» نیز گفته‌اند. این کتاب شامل یک مقدمه و ده فصل می‌باشد. در مقدمه چهل و چهاربندی سخنی از وحی یزدانی نیست بلکه ذکر کارهایی است که پادشاهان و بزرگان انجام داده‌اند و زرتشت میانجی آن بوده است، آغازی که دین در آن آشکار شد و پایانی که بار دیگر جهان پاک و دین بازسازی می‌شود. در ادامه ده فصل رویدادهای زندگی زرتشت از زمان آفریده شدن فروهر او تا زمانی که در زهدان مادر قرار گرفت و رویدادهای مربوط به تولد، دوران کودکی، وصف جوانی، رسیدن به هم‌پرسی اورمزد، رسیدن به دربار گشتاسپ و وقایع دربارش و گرویدن گشتاسپ، اعتلای دین و گروه دینوران، رخدادهای پس از مرگ زرتشت و فرزندان نجات‌بخش سه‌گانه زرتشت اوشیدر، اوشیدرمه و سوشیانس آمده است (راشد محصل، ۱۳۹۸: ۲-۴). مطالب کتاب افسانه‌ای نسنجیده

و بی‌ارزش نیست، بلکه مجموعه‌ای است گیرا و شاعرانه که در آنها حقایق اسطوره‌ای به زیبایی بازگو شده و جذب و کشش ادبی آن هنوز هم پس از قرن‌ها آشکار است. رنگ نثر اوستایی و آهنگ کلام دین را از ورای جمله‌ها و واژه‌های آن به خوبی می‌توان دریافت (راشد محصل، ۱۳۹۸: ۴).

تا کنون چهار نسخه از اصل دینکرد در دسترس است که کامل‌ترین آنها نسخه بمبئی است. ترجمه‌های (نگارش فارسی) انجام شده از کتاب دینکرد هفتم که ترجمه انگلیسی وست، ترجمه انگلیسی سنجانا، آوانوشت و ترجمه فرانسوی موله، و ترجمه‌های پراکنده‌ای در کتاب‌های مختلفی مانند «سطوره زندگی زرتشت»، «پژوهشی در اساطیر ایران»، «جات‌بخشی در ادیان»، ترجمه «گزیده‌های زادسپرم» است تقریباً یا کامل نیستند و یا آن‌گونه که باید به خوبی ترجمه نشده‌اند و تنها نسخه کامل و علمی نگارش فارسی از دینکرد توسط محمدتقی راشد محصل انجام یافته است که در این پژوهش از آن استفاده شده است.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش با روش کیفی و کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش متن «دینکرد هفتم» است.

### ۴. سوالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سوالات است که:

آیا در متن «دینکرد هفتم»، می‌توان زرتشت را به عنوان کهن‌الگوی «قهرمان» که در آراء یونگ و دیگران آمده، مطرح کرد؟

در متن «دینکرد هفتم» بخش زندگی زرتشت کدام یک از ویژگی‌های کهن‌الگوی «قهرمان» بازتاب یافته است؟

### ۴. فرضیه‌های پژوهش

متن «دینکرد هفتم» دارای کهن‌الگوهای قابل توجهی است. اما یکی از برجسته‌ترین کهن‌الگوها «کهن‌الگوی قهرمان» است که با توجه به ویژگی‌های مطرح‌شده برای آن می‌توان «زرتشت» را عنوان یکی از برجسته‌ترین کهن‌الگوی قهرمان در اساطیر ایران معرفی کرد.

### ۵. ضرورت انجام پژوهش

«دینکرد هفتم» یکی از متون دینی بازمانده به زبان پهلوی است که آن نیز برگرفته از متون اوستایی است. آثار به‌جامانده از ادبیات پیش از اسلام کمتر مورد نقد روان‌شناسی و نقد اسطوره‌ای قرار گرفته‌اند. با توجه به قدمت متن «دینکرد هفتم»، بررسی آن از منظر کهن‌الگوی قهرمان، می‌تواند شناخت مناسبی از اساطیر و فرهنگ و تمدن ایران کهن ایجاد کند.

## ۶. پیشینه پژوهش

زرتشت بزرگ پیامبر ایرانی است که درباره زندگی او از روزگاران کهن تاکنون پژوهش‌های بسیار انجام شده است. گروهی به زندگی تاریخی وی، گروهی دیگر به اندیشه و مقولات کلامی، تربیتی و سیاسی دین او و گروهی دیگر از منظر اساطیری پژوهش‌هایی به انجام رسانده‌اند. برای نمونه، اثر «اسطوره زندگی زرتشت» نوشته آموزگار و تفضلی (۱۳۹۴) که به بررسی داستان اسطوره‌ای زندگی زرتشت پرداخته‌اند. مقاله «بن‌مایه‌های اساطیری تولد زرتشت» نوشته نمیرانیان (۱۳۸۲) که به تطبیق بن‌مایه‌های مشترک روایات تولد زرتشت پرداخته است. کای‌بار در «پیامبر ایران و انسان کامل» با استفاده از نظریه ساختاری-کارکردی ژرژ دومزیل سه عنصر وجودی زرتشت، فره، فروهر و گوهر تن، بر پایه اساطیر هندواروپایی را تفسیر کرده است (دوشن‌گیمن، ۱۳۹۳: ۶۵). در مقاله «تحلیل اسطوره‌شناختی گوهر زرتشت بر پایه داستان تولد او در دینکرد هفتم و گزیده‌های زادسپرم» قاسمی فیروزآبادی به بررسی گوهر موبدی و گوهر پهلوانی در زرتشت پرداخته است و سعی در اثبات این دارد که وجود گوهر پهلوانی در زرتشت زاده تفکر پیروان اوست. اما پژوهش حاضر زرتشت را پیامبری می‌داند که برای نبرد با اهریمن به عرصه وجود آمده است. با توجه به این که «دینکرد هفتم» یکی از برجسته‌ترین متون زرتشتی درباره داستان تولد زرتشت است تاکنون هیچ پژوهشی از منظر نقد اسطوره‌گرایانه آن را بررسی نکرده است. از این نظر انجام این پژوهش ضروری به نظر رسید.

## ۷. کهن‌الگوی قهرمان

یونگ معتقد است انسان‌ها در درون خود از طریق رویاها و تخیلات و در بیرون به وسیله اسطوره‌ها و آموخته‌های دینی با کهن‌الگوها روبرو می‌شود. او معتقد به سرشتی مذهبی برای کهن‌الگوهاست که با جوی از تقدس ماورایی آمیخته است و به همین علت ما را به اجرای دوباره آن نمایش اولیه وادار می‌کند. وی ریشه کهن‌الگوها را متافیزیکی می‌داند و معتقد است که او اولین فردی نبوده که این نظریه را عنوان کرده و قبل از او در مردم‌شناسی و ادیان با عنوان «عقاید جاودانه» و «مقوله‌های پنداری» مطرح بوده است (اسنودن، ۱۳۹۳: ۱۲۱). یونگ کهن‌الگوها را در چند دسته قرار می‌دهد:

- شخصیت‌ها: قهرمان، بلاگردان (فدایی ایثارگر)، مطرود، شیطان، زن اثیری (زن مثلی)، لکاته، مادر نیکوسرشت، مادر وحشتناک (عفریته)، همزاد (آنیما)، حقه‌باز، پیرمرد فرزانه (منجی، مصلح، هندوی، خردمند)
- اعداد: ۳-۴-۷-۴۰
- بن‌مایه‌های مثلی یا الگوها: آفرینش، فناپذیری (۱. فرار از زمان، ۲. غرق گشتن عارفانه در زمانی تسلسلی)
- تصاویر طبیعت: دریا، رود، بیابان، باغ، خورشید، درخت. خزندگان (مار، کرم)
- رنگ‌ها: قرمز، سبز، آبی، سیاه، سفید

- شکل‌های هندسی: دایره، بیضی (تخم مرغ)، ماندلا، اوروبورس (ماری که دم خود را به دهان گرفته)
- تحلیل پیرنگ روایت‌ها: تکرار وضعیتی از دیرباز تا امروز/ پیرنگ سیر و سلوک قهرمان: سفر پرمخاطره (کاوش)/ پیرنگ پاگشایی (نوآموزی): گذار قهرمان از معصومیت پیشابلوغی و ورود به دنیای بزرگسالان: ۱. جدایی ۲. تحول ۳. بازگشت (گورین و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۷۴)؛ (پاینده، ۱۳۹۸: ۳۲۱).

یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین کهن‌الگوهای که یونگ ارائه داده است «کهن‌الگوی قهرمان» است. یونگ می‌گوید هنگامی که من وجودی انسان نیاز به قدرت بیشتری پیدا می‌کند «کهن‌الگوی قهرمان» نمود پیدا می‌کند «یعنی هنگامی که خودآگاه نمی‌تواند برای خود به تنهایی یا دست کم بدون یاری منابع نیرویی که در ناخودآگاه است کاری انجام دهد و به ناخودآگاه نیاز پیدا می‌کند» (یونگ، ۱۳۸۹: ۱۸۱). در این هنگام است که ناخودآگاه با استفاده از کهن‌الگوها و قدرت خیال سعی در برطرف کردن ناتوانی خود می‌کند.

اسطوره جهانی قهرمان، تصویری از قدرت انسان است در برابر تمام نیروهای شر که با ظاهرهای گوناگون در سر راه قهرمان قرار می‌گیرند، او و مردمش را تهدید می‌کنند ولی قهرمان آنان را شکست می‌دهد. او در مسیر خود به کمال دست پیدا می‌کند و به مظاهر ازلی اولوهیت و خداگونگی نزدیک می‌شود. یونگ، گورین و رانک هر کدام با بررسی برخی از اساطیر کهن ویژگی‌های خاصی را برای «کهن‌الگوی قهرمان» ارائه داده‌اند. ابتدا مختصر اشاره‌ای به ویژگی‌های ارائه‌شده هر یک می‌شود و در ادامه به تحلیل زندگی زرتشت بر مبنای کهن‌الگوهای ارائه‌شده این سه تن پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که هیچگاه نمی‌توان تمام ویژگی‌هایی ارائه‌شده را در اساطیر مختلف دید اما وجود مشترکات فراوان نشان‌دهنده کهنگی الگوی خلق آنان است.

**یونگ:** ۱. وجود داستان‌های عجیب در تولد قهرمان ۲. حمایت نیروهای یاریگر و پشتیبان از قهرمان ۳. خطر مرگ در اثر توطئه در کودکی ۴. بازگشت به وطن

**گورین:** ۱. کاوش: قهرمان (منجی و فدایی) در سفری طولانی وظایف سنگینی را انجام می‌دهد به مانند جنگ با غول‌ها، حل کردن معماهای بی‌پاسخ، چیرگی بر موانع غیر قابل عبور برای نجات مملکت و شاید ازدواج با شاهزاده خانم. ۲. نوآموزی: قهرمان، یک سلسه وظایف و مقدرات شکنجه‌آور برای گذر از مرحله بی‌خبری و خامی آغاز می‌کند، به بلوغ فکری و اجتماعی، یعنی بدل‌گشتن به عضوی بالنده و سازنده از گروه اجتماعی خود، می‌انجامد. این مرحله سه بخش دارد: ۱- رهسپاری ۲- دگرگونی و استحاله ۳- رجعت (این مرحله گونه‌ای از صور مثالی مرگ و تولد دوباره است) ۳. فدایی ایثارگر: قهرمان (که نماینده رفاه قبیله یا مملکت است) باید جان خود را بدهد و به کفاره گناهان مردم تا دم مرگ رنج بکشد تا مملکت را به باروری و زاینده‌گی برساند (گورین و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۷۹).

**رانک: ۱.** قهرمان از پدر و مادری برجسته (غالباً یک پادشاه) متولد گشته است. ۲. قبل از تولد او، مشکلاتی چون تحریمات جنسی یا نازایی طولانی یا مقاربت‌های پنهانی والدین به دلیل موانع و تحریمات محیطی وجود داشته است. ۳. قبل یا در طی دوران بارداری، یک پیشگویی به صورت رویا یا معجزه بازگو می‌شود که تولد این نوزاد را نسبت به پدر خود (یا جانشین و نماینده او) خطرناک و تهدیدآمیز می‌خواند و از بابت آن هشدار می‌دهد. ۴. معمولاً نوزاد را در صندوق چوبینی روی آب رها می‌کنند. ۵. سپس نوزاد توسط حیوانی ماده یا زنی فروتن و بینوا نجات داده می‌شود. ۶. پس از بزرگ شدن، والدین برجسته خود را با برخوردی کاملاً خصمانه، باز می‌یابد. ۷. او ابتدا از پدر خود انتقام می‌گیرد و از سوی دیگر هویتش آشکار می‌شود. ۸. قهرمان عاقبت به مقام و منزلت بالایی می‌رسد (گورین و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۸۰). وی هفت قهرمان متفاوت مانند موزه‌ها (الهه‌ها)، هرکول، اودیپ، زیگفید، و عیسی مسیح را بررسی کرده و این هشت ویژگی را که «افسانه همسان» نامیده آورده است. بدیهی است که در تمامی اسطوره‌های قهرمانی تمام این ویژگی‌ها وجود ندارند چه بسا ویژگی‌هایی دیگر را بتوان با بررسی قهرمانان بیشتر به دست آورد. اما وجود برخی ویژگی‌های مشترک را نمی‌توان انکار کرد.

#### ۸. زرتشت کهن‌الگوی قهرمان در «دینکرد هفتم»

یکی از ویژگی‌های کهن‌الگوی قهرمان وجود داستان‌های عجیب در رابطه با تولد معجزه‌آسا اما مبهم قهرمان است. او دارای نیروی فوق بشری زود هنگام، قدرت گرفتن سریع او، پیروزی در مبارزه با اهریمنان، و افول زود هنگام به خاطر خیانت یا فداکاری قهرمانانه‌ای که منجر به مرگ وی می‌شود (یونگ، ۱۳۸۹: ۱۶۲). کمپل معتقد است قهرمان از ابتدای تولد در درون خود دارای نیروی خودبه‌خود خلاق جهان طبیعی است. از همان لحظه‌ای که در زهدان مادر جای می‌گیرد نیروهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده به او داده می‌شود و کل زندگی او به صورت نمایشی با شکوه از معجزات است که نقطه اوجش اتفاقات بزرگ و مرکزی آن است. کمپل با این حرف می‌خواهد بگوید که قهرمان از پیش تعیین شده و قهرمانی کاری غیراکتسابی است (شکیبی و حسینی، ۱۳۹۳: ۹۹). یونگ به نسبت فروید و رانک به مسئله تولد قهرمان کمتر توجه نشان می‌دهد. از نظر او قهرمان در فرایندی موسوم به فردانیت، به تولد دوباره که بعد از طی مراحل خاصی برای قهرمان پیش می‌آید به قهرمانی می‌رسد. یونگ معتقد است که تولد قهرمان معجزه‌آسا و ساده است و قدرت فوق‌العاده‌ای از خود نشان می‌دهد که باعث پیشرفت او در جامعه می‌شود (انسودن، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

در داستان تولد زرتشت در «دینکرد هفتم» شگفتی‌های فراوانی را مشاهده می‌کنیم. مراحل ظهور زرتشت پیش از تولد زمینی او انجام شده است. زرتشت در عالم برین به پیامبری از سوی اورمزد برگزیده شده است. اورمزد او را «مرد پرهیزگار من» می‌نامد و برای اینکه مردمان نگویند او «پیداتخمه» است او را با آب و زمین و گیاه و گوسپند در می‌آمیزد. اورمزد درباره نژاد او می‌گوید: «آن زردشت را به هر دو گونه نیک‌تخمه گویند که نژاد او از امشاسپندان به نریوسنگ و نیز از مردمان به جم می‌رسد» (دینکرد

هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۲ بند ۲۱، ۲۱۰). سه عنصر وجودی زرتشت فره، فروهر و گوهر تن زرتشت طی مراحل به پدر و مادر او می‌رسد. فره از نزد اورمزد به روشنی بی‌پایان بعد به خورشید بعد به ماه بعد به ستارگان و از ستارگان به آتش خانه فراهیم روان و از آتش به فراهیم روان و زوئیش وارد می‌شود و آنان وارد بدن فرزندشان دوعدو، مادر زرتشت، می‌شود. به خاطر وجود فره در بدن دوعدو نوری معلق در اطراف او ظاهر می‌شود که باعث وحشت اهالی ده می‌شود و پیشگویان می‌گویند پُرفره‌ی جهان مادی از فره تن اوست. دیوان به همین واسطه سه بلا بر ده وارد می‌کنند و در اندیشه مردم ده القا کردند که این به دلیل جادوگری این دختر است و او را از ده بیرون می‌کنند. پدر زوئیش از او خواست به سوی پدر دوده پیرترسپ در ده سپیتمان برود. ایزدان در برابر کار دیوان کاری می‌کنند که دوعدو به خانه پیرترسپ پدر پوروشسپ برود و به این ترتیب فره زرتشت به پوروشسپ می‌رسد. برای انتقال فروهر زرتشت، امشاسپندان فروهر او را در ساقه هوم قرار می‌دهند و از روشنی بی‌پایان به اسوند کوه انتقال دادند و دیواری دور او ساختند. سیصد سال مانده به هجوم اهریمن بهمن و اردیبهشت امشاسپند به اندیشه دو پرنده که فرزندان آنان را ماران می‌خوردند در آمدند تا هوم را به لانه خود برند تا از شر ماران در امان باشند و آنان چنین کردند. هنگامی که دوعدو همسر پوروشسپ شد بر اندیشه پوروشسپ وارد شدند که هوم را بیابد. او بعد از به دست آوردن هوم آن را به دوعدو می‌دهد تا بر طبق آیین، شربتی از آن بسازد. سومین عنصر وجودی زرتشت یعنی «گوهر تن» او از پیش اورمزد به سوی باد و از باد به ابر و از ابر به صورت آب بر زمین بارید و از آن گیاهانی روئیدند و برای رساندن گوهر تن به پدر و مادر زرتشت امشاسپندان به اندیشه پوروشسپ وارد می‌شوند که شش گاو را به سمت گیاهان ببرد و اینگونه بود که گوهر تن زرتشت وارد شیر آنان شد و دوعدو آن شیر را دوشید. دیوان تلاش برای نابودی زرتشت را پیش از شکل‌گیری مادی او کردند اما موفق نشدند. در نهایت دوعدو و پوروشسپ شیر و هوم را که فروهر و گوهر تن زرتشت در آن بود، با هم آمیختند و به نام اورمزد نوشیدند. هنگامی که دوعدو و پوروشسپ برای فرزندخواهی همبستر می‌شوند دیوان به اندیشه پوروشسپ وارد می‌شوند و آن را گناه جلوه می‌دهند این عمل سه بار تکرار می‌شوند و در بار چهارم دوعدو و پوروشسپ ایستادگی می‌کنند و اینچنین شد که فره، فروهر و گوهر تن زرتشت در زهدان مادرش گرد هم می‌آیند. دیوان از پای نمی‌ایستند و بیماری بر او وارد می‌کنند اما ناموفق هستند. سه روز مانده به تولد زرتشت نوری خانه آنان را در بر می‌گیرد. بزرگان ده سعی در نابودی آنان می‌کنند ولی موفق نمی‌شوند و نهایت می‌پذیرند که دلیل آن زاده شدن مردی شکوهمند است (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۲، بند ۱-۵۸، ۲۰۷-۲۱۵). دیگر شگفتی تولد زرتشت لبخند زدن او به هنگام تولد است که باعث ترس «هفت چه» می‌شود. پوروشسپ، جادوگر ده را به نزد زرتشت می‌آورد و او با دیدن فره زرتشت سعی در کشتن زرتشت می‌کند که دستش بر جای خشک می‌شود. او به اندیشه پوروشسپ وارد می‌شود او را از زرتشت می‌ترساند و بر کشتن او برمی‌انگیزاند. ابتدا به وسیله آتش بعد با قرار دادن در گذر اسبان و گاون، بعد قرار دادن در آبشخور اسبان



بعد با فرار دادن در لانه گرگی که فرزندانش کشته شده سعی در کشتن زرتشت می‌کند اما در هر بار به کمک نیروهای غیبی زرتشت نجات پیدا می‌کند و در نهایت میشی را پیش او می‌برند و تا صبح دایگی او می‌کند تا مادرش او را می‌یابد. جادوگران ده برای نابودی او جمع می‌شوند ولی به ناتوانی خود پی می‌برند (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۳، بند ۱-۵۰، ۲۱۹-۲۲۷).

سه مورد از ویژگی‌هایی را که یونگ برای کهن‌الگوی قهرمان آورده است می‌توان از ابتدای خلقت زرتشت در جهان برین تا سن سی‌سالگی وی مشاهده کرد.

۱. تولد شگفت‌انگیز: انتقال ویژه فره، فروهر و گوهر تن زرتشت به زمین برای رسیدن به پدر و مادر زرتشت (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۲، بند ۱-۵۲، ۲۰۷-۲۱۴)، وجود نور سه روز پیش از تولد زرتشت در خانه (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۲، بند ۵۶، ۲۱۵)، لبخندزدن زرتشت در هنگام تولد (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۳، بند ۱-۲، ۲۱۹).

۲. حمایت قدرت‌های یاریگر: از دیگر ویژگی‌های کهن‌الگوی قهرمان این است که قدرت‌های پشتیبان یا نگهبانان ناتوانی اولیه قهرمان را جبران کنند و قهرمان کاری را که به تنهایی نمی‌توانست انجام دهد با کمک آنها به انجام می‌رسانند. در یونان پوزه‌یی دُن خدای دریا از نرئوس، آتنا از پرئوس و شیرون نیمه انسان نیمه اسب خردمند از آشیل حمایت می‌کنند. در واقع این نگهبانان الهی تجلی نمادین روان کامل هستند و دارای نیرویی قوی که من خویشتن از آن محروم است (یونگ، ۱۳۸۹: ۱۶۲). حضور نیروهای یاریگر را در اسطوره قهرمان نمی‌توان نادیده گرفت. کمپبل معتقد است که این نیروها قدرت محافظ و مهربان سرنوشت قهرمان هستند. «به زعم او آرامش از دست‌رفته بهشت که در گذشته‌ها در زهدان مادر به تجربه رسیده است، هنوز از بین نرفته بلکه حامی حال است و در آینده نیز دوباره به دست خواهد آمد (کمپبل، ۱۳۸۹: ۷۷). نیروهای حمایتگر قهرمان در درون یا به شکل‌هایی ناشناس زندگی قهرمان پنهان هستند و به او یاری می‌رسانند. طبیعت به مانند مادری مهربان وظیفه حمایت از قهرمان را به عهده دارد (شکیبی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). نیروهای یاریگر را در بخش‌های مختلف داستان زندگی زرتشت از پیش از تولد تا به هنگام مرگ وی جای‌جای دینکرد هفتم می‌توان دید. در هنگام انتقال سه عنصر وجودی زرتشت، در هنگام تولد، جلوگیری نیروهایی یاریگر از آسیب دیدن زرتشت هنگامی که جادوگران و پدرش قصد کشتن او را داشتند، به همپرسیگی با اورمزد بردن زرتشت و ...

۳. توطئه برای نابودی قهرمان در کودکی: قهرمان در ابتدای کودکی در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد و یا توطئه‌ای برای کشتن او صورت می‌گیرد اما او نجات پیدا می‌کند. مانند تولد حضرت موسی (ع) یا اُدیپ در نمایش اُدیپ در اُدیپ شهریار می‌بینیم (پاینده، ۱۳۹۸: ۳۲۱). تلاش دیوان برای نابودی زرتشت از پیش از شکل گرفتن نطفه او آغاز می‌شود. دیوان تلاش بسیاری می‌کنند تا سه عنصر وجودی زرتشت به هم نرسند و هنگامی که موفق نمی‌شوند سعی در از بین بردن مادر باردارش می‌کنند یا بعد از تولد زرتشت توسط نفوذ در اندیشه پدرش کشتنش به دست پدرش و در هفت‌سالگی زرتشت و

حضور جادوگران بزرگ در ده و خانه زرتشت. هرچند که دیوان تا پایان عمر زرتشت دست از نابودی وی بر نمی‌دارند.

بر طبق الگوی گورین دو مرحله «کاوش» و «نوآموزی» را می‌توان در زندگی زرتشت دید. زرتشت در جستجوی حقیقت است و هنگامی که در سی‌سالگی به مقام هم‌پرسیگی با اورمزد می‌رسد به مدت دو سال تا رسیدن به مرحله پیامبری و ابلاغ رسالتش به مردم مراحل را طی می‌کند که می‌توان این مراحل را با دو مرحله «کاوش» و «نوآموزی» منطبق دانست. هر سه مرحله «نوآموزی» یعنی ۱. رهسپاری ۲. دگرگونی ۳. رجعت مراحل است که زرتشت برای رسیدن به پیامبری و مبارزه با دیوان از سر می‌گذراند. قهرمان، یک سلسه وظایف و مقدرات شکنجه‌آور برای گذر از مرحله بی‌خبری و خامی آغاز می‌کند، به بلوغ فکر و اجتماعی، یعنی بدل شدن به عضوی بالنده و سازنده از گروه اجتماعی خود می‌انجامد. این مرحله سه بخش دارد: ۱. رهسپاری ۲. دگرگونی و استحاله ۳. رجعت (این مرحله گونه‌ای از صور مثالی مرگ و تولد دوباره است) (گورین و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۷۹).

۱. رهسپاری: (متجلی شدن بهمن امشاسپند و به هم‌پرسیگی اورمزد بردن زرتشت). «و بهمن به او گفت ای زرتشت سپیتمان! اما این جامه که با خود می‌بری، بده، که با هم آن کسی را هم‌پرسی کنیم (دیدار کنیم)، که تو را آفریده است؛ که مرا آفریده است؛ که افزون‌ترین مینوان است و نیک‌ترین هستان است. که گوینده سخن اویم من که بهمنم؛ یعنی پیام‌آور اویم» (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۳، بند ۶۰، ۲۲۹).

۲. دگرگونی. «از پانزده تا سی سالگی زرتشت دوران کمال اندیشه، فضل و پارسایی اوست. در سی سالگی به کنار رود داییتی می‌رود. بهمن امشاسپند بر او ظاهر می‌شود و او به همراه بهمن امشاسپند به مقام گفتگو با اورمزد و امشاسپندان می‌رسد و تا چهل سالگی در گفتگو با اورمزد است.» (آموزگار، ۱۳۸۳: ۸۲).

۳. رجعت «پس از دو سال که از هم‌پرسیگی نخست گذشته بود، آنگاه به نخستین فرمان خدای، دادار اورمزد، یکه (تنها) اندر رمه (میان گروه) کیکان و کربان و خشوریش را درباره دین مزدیسن و پیامبری از سوی اورمزد بخواند (اعلام کرد) (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: فصل ۴، بند ۱، ۲۳۱). مرحله «رجعت» در الگوی گورین و مرحله «بازگشت به وطن» در الگوی یونگ را می‌توان به نوعی با یکدیگر منطبق دانست. به مقام پیامبری رسیدن زرتشت و بازگشتش از هم‌پرسیگی با اورمزد به سوی مردم و ابلاغ رسالتش مشاهده کرد.

در برخی از اسطوره‌ها قهرمان در بازگشت به وطن خود با شاهدختی ازدواج می‌کند و به تاج و تخت می‌رسد. (پاینده، ۱۳۹۸: ۳۲۲). اگر ازدواج با یک شاهدخت برای یک قهرمان حماسی ملی نهایت است برای یک انسان کامل و معنوی رسیدن به مقام پیامبری است که داری ارزش و اعتبار است و این رسیدن به مقام بالا با پیامبری زرتشت تحقق پیدا می‌کند. از نظر یونگ کار اصلی اسطوره قهرمان کشف

خودآگاه خویشتن فرد است تا به ضعف‌ها و قدرت‌های خود آگاه شود تا بتواند با مشکلات خود روبرو شود و هنگامی که فرد وارد مرحله پختگی شود اسطوره قهرمان مناسبت خود را از دست می‌دهد، گویی مرگ قهرمان سرآغاز دوران پختگی است (یونگ، ۱۳۸۹: ۱۶۶).

از میان ویژگی‌هایی که اتو رانک مطرح کرده است چند مورد آن با تولد زرتشت همخوانی دارد: ۱. داشتن پدر و مادری برجسته (پدر و مادر زرتشت از یکی از خاندان‌های مهم ایرانی بودند و حتی مادر وی نیز تولدی شگرفت داشت) (راشد محصل، ۱۳۸۹: فصل ۲ بند ۱-۱۳ ۲۰۷-۲۰۹). ۲. وجود مشکلاتی در جهت شکل گرفتن نطفه قهرمان (تلاش اهریمنان برای جلوگیری از همخوانی دوغدو و پوروشسپ بعد از نوشیدن شیر آمیخته به عصاره هوم که حاوی فروهر و گوهر تن زرتشت بودن با گناه جلوه دادن همخوانی در نظر پدر و مادر زرتشت) (راشد محصل، ۱۳۸۹: فصل ۲ بند ۴۷-۵۲، ۲۱۴). ۳. پیشگویی بدشگون بودن و خطرناک بودن نوزاد برای پدر (بعد از تولد زرتشت جادوگر ده وجود او را برای پوروشسپ خطرناک می‌داند و پوروشسپ چندین بار سعی در کشتن زرتشت می‌کند) (راشد محصل، ۱۳۸۹: فصل ۲ بند ۷-۸، ۲۲۰). ۴. نجات نوزاد توسط حیوان (در تمام مراحل که پوروشسپ سعی در کشتن زرتشت دارد کمک حیوانات را می‌توان دید. گذاشتنش بر سر راه گاوان و اسبان و حافظت یک گاو و اسب از وی در مقابل دیگر گاوان و اسبان و در نهایت دایگی میشی از زرتشت تا رسیدن مادرش) (راشد محصل، ۱۳۸۹: فصل ۲ بند ۱۲-۱۷، ۲۲۰-۲۲۲). ۵. رسیدن قهرمان به مقام و منزلت بالا (تاسی سالگی زرتشت کوی‌ها و کرب‌های بسیاری برای نابودی زرتشت تلاش می‌کنند ولی موفق نمی‌شوند زیرا نیکان به زرتشت مهر دارند. در سی سالگی زرتشت بهمن امشاسپند بر او ظاهر می‌شود و او را به همپرسی اورمزد می‌برد.) (راشد محصل، ۱۳۸۹: فصل ۴ بند ۱، ۲۳۱).

## ۹. نتیجه‌گیری

دینکرد هفتم یکی از مهم‌ترین متون دینی زرتشتیان است که در آن به زندگی زرتشت پرداخته شده است. مولفان این کتاب معتقدند که این کتاب الهام خدا به زرتشت است که نسل به نسل به دستشان رسیده است و تدوین آن را به مانند تدوین *اوستا* می‌دانند. این کتاب که بعد از حمله اعراب پراکنده شده بود در قرن سوم هجری گردآوری شد. بررسی زندگی زرتشت بر مبنای این کتاب که یکی از کهن‌ترین متون زرتشتی است که درباره زندگی زرتشت سخن رفته است می‌تواند منبع مناسبی برای نقد اسطوره‌گرایانه باشد. یکی از مهم‌ترین کهن‌الگوهای مطرح‌شده در نقد اسطوره‌گرایانه کهن‌الگوی «قهرمان» است. از آنجایی که زرتشت در متون زرتشتی معادل «انسان کامل» است و وظیفه انسان کامل در خلقت مبارزه با اهریمنان و پیروزی بر آنان است می‌توان زرتشت را «کهن‌الگوی قهرمان» در دین زرتشتی دانست که دایره مبارزاتی او فراتر از قهرمانان حماسی و ملی است. این پژوهش بر مبنای ویژگی‌هایی که سه دانشمند بزرگ یونگ، گورین و رانک برای کهن‌الگوی قهرمان آورده‌اند زندگی زرتشت این پیامبر اساطیری را مورد بررسی قرار داده ویژگی‌های یافته شده را ارائه داده است. از میان

چهار ویژگی‌ای که یونگ مطرح کرده ۱. وجود داستان‌های عجیب در تولد قهرمان ۲. حمایت نیروهای یاریگر و پشتیبان از قهرمان ۳. خطر مرگ در اثر توطئه در کودکی ۴. بازگشت به وطن هر چهار مورد در زندگی زرتشت وجود دارد. از میان سه ویژگی‌ای که گورین بیان کرده است یعنی ۱. کاوش ۲. نوآموزی ۳. فدایی ایثارگر دو مرحله کاوش و نوآموزی در دینکرد هفتم به خوبی قابل تشخیص است اما با توجه به اینکه درباره مرگ زرتشت در دینکرد هفتم جز اشاره‌ای کوچک چیزی نیامده نمی‌توان مرحله سوم یعنی فدایی ایثارگر را یافت. بر طبق هشت ویژگی‌ای که رانک آورده است پنج ویژگی از هشت ویژگی در زندگی زرتشت به دست آمد: ۱. داشتن پدر و مادری برجسته ۲. وجود مشکلاتی در جهت شکل گرفتن نطفه قهرمان ۳. پیشگویی بدشگون بودن و خطرناک بودن نوزاد برای پدر ۴. نجات نوزاد توسط حیوان ۵. رسیدن قهرمان به مقام و منزلت بالا.

### کتابنامه

- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *اسطوره، بیان نمادین*. تهران: سروش.
- اسنودن، روث. (۱۳۹۳). *یونگ مفاهیم کلیدی*. ترجمه افسانه شیخ‌الاسلام زاده. تهران: عطایی.
- اسنودن، روث. (۱۳۸۹). *خودآموز یونگ*. ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران: آشیان.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۸) *تاریخ اساطیری ایران*. چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- باستید، روز. (۱۳۷۰). *دانش اساطیر*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- پابنده، حسین. (۱۳۹۸). *نظریه و نقد ادبی*. ج ۱، تهران: سمت.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- دینکرد هفتم. ۱۳۸۹. [تدوین کنندگان پیشین آذرفرنبغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید]، تصحیح متن، آوانویسی، نگارش فارسی، واژه‌نامه و یادداشت‌ها از محمدتقی راشد محصل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شکیبی ممتاز، نسرين؛ حسینی، مریم. (۱۳۹۳). «اسطوره تولد قهرمان». *نشریه ادب پژوهشی*. شماره بیست و نهم. صص ۹۷-۱۱۶.
- کمپل، جوزف (۱۳۸۹)، *قهرمان هزار چهره*، ترجمه شادی خسروپناه؛ تهران: گل آفتاب.
- گورین، ویلفرد. ال؛ لیبر، ارل. جی؛ ویلینگهام، جان. ار؛ مورگان. لی. (۱۳۷۶) *راهنمای رویکردهای نقد ادبی*، ترجمه زهرا میهن خواه. تهران: اطلاعات.
- یونگ، کارال گوستاو، ۱۳۸۹، *انسان و سمبول‌هایش*، ترجمه محمود سلطانی، چاپ هفتم، تهران: جامی.